

چکیده

مسئله اقتصاد و عدالت اقتصادی در نزد امیرمؤمنان علیه السلام اگر نگوئیم اولویت اول، باید ادعان داشت که جزو اولین اولویت‌های مورد نظر ایشان در آیین زمامداری می‌باشد. که امام علیه السلام جان مبارک خود را نیز در این راه فدا کردند.

این نکته قابل توجه است که هدف ادیان الهی در سطح اجتماع، چیزی جز برپا داری عدالت نبوده است و اسلام - بطور خاص - گردش عادلانه مال را در سطوح مختلف جامعه از آشکارترین مظاهر حضور دین در جامعه برمی‌شمرد. و بر همین اساس بزرگترین مشکل انسان را در طول تاریخ ظلم اقتصادی می‌داند.

این تحقیق کوشیده است تا به بررسی روش امام علیه السلام در اصلاح و تدوین ساختار اقتصادی و همچنین راهکارهای امام علیه السلام در اجرای عدالت اقتصادی و نیز روش ایشان در فرهنگ‌سازی عمومی در جامعه و تدوین آیین‌نامه حکومتی برای والیان بپردازد.

کلید واژه‌ها:

ساختار حکومتی: اصلاح ساختاری - اقتصادی، فرهنگ‌سازی عمومی، فرهنگ‌سازی حکومتی، اقتصاد، عدالت، بیت‌المال، وقف

نیم‌نگاهی به دوران خلفا

در ابتدا لازم است نگاهی گذرا به جریان دوران خلیفه سوم و گذری بر اوضاع اجتماعی - اقتصادی شهر مدینه داشته باشیم. مدینه به علت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جنگ‌های طولانی در ابتدای هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بوجود آمدن بار مضاعف مصرفی بر آن به موجب هجرت مهاجران به سختی می‌توانست نیازهای شهر را برآورد و مردم آن در تنگنا و سختی معیشت قرار داشتند. اما در زمان خلیفه دوم و توسعه قلمرو حکومت اسلامی و فتوحات مسلمین، سیل غنائم و اموال به سوی آنها سرازیر شد.

خلیفه دوم در تقسیم غنائم روش دیوانی در پیش گرفت و از همه مسلمین ثبت نام کرد و براساس سابقه، حضور در میدان‌های نبرد و قرابت با رسول خدا، برای هر کس مستمری مشخص کرد. این رویه باعث ایجاد شکاف طبقاتی وسیع و بسیار شدید بین مردم شد و اختلاف طبقاتی گسترده‌ای را بوجود آورد. (۱)

از سوی دیگر، باعث شد روحیه تکثرگرایی در مسلمین با سابقه تقویت گردد و کسانی که روزی از بذل جان و مال خویش در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله فروگذار نبودند، اکنون به فکر مال و ثروت باشند.

در چنین اوضاع و احوالی، خلیفه سوم بر مسند قدرت تکیه زد. حال آنکه سن او را در این هنگام حدود ۷۹ سال - حداقل - ذکر کرده‌اند، که این امر خود گواه بر ضعف جسمانی وی است. (۲)

در زمان خلیفه سوم، بنی‌امیه به قدرت رسیدند و او که با ایشان قرابت داشت، بیشتر مشاوران خود را از میان آنها برگزید و آنان را در پست‌های کلیدی قرار داد. از میان تمام مسلمین،

تنها خویشان رازدار و یاور او بودند و پایه‌های حکومت بر دوش شان بود. در حقیقت خلیفه، عبارت بود از، لباس عثمان و اندیشه‌های مروان بن حکم.

او حتی در صحبت کردن هم، اختیار انتخاب الفاظ را نداشت. گویی از قبل، کلمات را به او تلقین می‌کردند. (۳)

قبیله گریایی، اشرافی‌گری مفرط و عدم اجرای حدود الهی از مختصات بارز دوران خلافت او بود.

خلیفه سوم در بذل و بخشش از بیت‌المال، به قدری به اسراف گرایید که خزانه‌دار وی در اعتراض کلیدهای خزانه را بر منبر پیامبر آویخت و از مقام خود کناره‌گیری کرد.

رفتار او با منتقدان و یاران راستین پیامبر اکرم که از سر صدق و راستی لب به انتقاد می‌گشودند، بسیار ناروا و چیزی جز تبعید و خشونت نبود.

- ابوذر آن یار راستین پیامبر که به لحاظ گفتار بسیار جسور و صریح بود، سرانجامی نداشت جز جان باختن در ریزه، حال آنکه، بنا بر شهادت امام علی علیه السلام او با تقوا و راستگو بود. امام درباره او می‌فرمایند:

«ای اباذر برستی تو برای خدا به خشم آمدی پس به همو امید دار، اینان از تو به دنیایشان ترسیدند و تو بخاطر دینت از آنان بیم‌ناکی...» (۴)

- به دستور خلیفه، عمار را چنان زدند که از هوش رفت و نماز روزانه‌اش فوت شد. (۵)

- ابن مسعود با دستور او درباره جمع‌آوری قرآن مخالفت کرد. دستور داد، بردگانش او را

کنک زده، دنده هایش را شکستند و سپس سهم او را از بیت المال قطع نمود. (۶)

اینها همه و از سویی دیگر، فساد اداری و بخشش های ناروا، به گونه ای دامن گسترده که عثمان، شورش عظیم را در مقابل خود دید که سرانجام به قتل او انجامید.

دارایی عثمان را در هنگام مرگ، مبلغ یک میلیون و یکصد و پنجاه هزار دینار طلا و ارزش املاک او را حدود یکصد هزار دینار و مقدار زیادی گاو و گوسفند و شتر و احشام نوشته اند. (۷)

امام علی علیه السلام در مورد او فرمود:

«تا سرانجام سومین از آن باند به خلافت برخاست، در حالیکه باد نخوت به غیب افکنده و هدفی جز کامجویی از خلافت در سر نه برده بود. به همراه او فامیلش به غارت بیت المال پرداختند و چون شتری که در گیاه بهاران در آمده، مال خدا را بر باد دادند. تا آن روز که رشته هایش گسست و کردار ناشایست اش گریبانش گرفت و غوطه وری در نعمت، طغیان در بهره وری و سوءاستفاده از اموال عمومی هلاکش ساخت.» (۸)

امام علیه السلام در چنین شرایطی حکومت را بر خود می دید. چنانکه خود می فرماید:

«پس از قتل عثمان انبوه مردمان رنج دیده چون یال کفتار از هر سوی به خانه ام ریختند، آن چنان که بازویم شکست و ردایم دریده گشت. آنان به فشرده گی گوسفندان گرگ زده، گرداگردم را گرفتند و زمام امور خود را به سویم افکندند و

سرانجام خلافت را بر من تحمیل کردند.» (۹)

لذا امام علی علیه السلام برای سامان دادن به اوضاع بی سامان، اولین قدم را اجرای اصلاحات همه جانبه و متوازن می دانست. در این مقال، اصلاحات اقتصادی امام علیه السلام را در سه بعد مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- فرهنگ سازی عمومی (بعد فرهنگی)

۲- اصلاح ساختارهای حکومت (بعد

تربیتی)

۳- اصلاحات اقتصادی (اقتصادی)

۱- فرهنگ سازی عمومی

امام علیه السلام در این روش دو جنبه هدفمند را دنبال می کند. ابتدا با پند و موعظه - که سراسر نهج البلاغه حاوی این فرهنگ سازی است - به تبیین مسائل مختلف می پردازد.

دوم، الگوسازی است که توسط شخص امام علیه السلام، سلوک ایشان و حسن انتخاب کارگزاران، به جامعه عرضه می شود.

در زمینه این فرهنگ سازی ذیلا به مواردی اشاره می شود:

الف) دنیا

با توجه به وضعیت پیش آمده که شرح آن رفت، نهج البلاغه سرشار از نهی مردم از دنیا زدگی، تعریف همه جانبه دنیا و مرگ آگاهی است.

«... پس در دنیا توشه برگیرید تا خود را در فردای قیامت در امان دارید...» (۱۰)

اشارت به عمر کوتاه و گذران دنیا

«آگاه باشید که بساط دنیا برچیده شده و زنگ پایان آن به صدا درآمده و خوبیهای آن ناپدید گشته و به سرعت پشت کرده و ساکنانش را به نابودی کشانده و همسایگانش را به سوی مرگ پیش رانده است. شیرینی‌های آن تلخ شده و زلال آن تیره و متعفن گشته و از آن جز ته‌مانده‌ای باقی نمانده و یا قطره آب از شن چکیده‌ای که تشنه کامان را سیراب نماید.» (۱۱)



اشارت به شناخت و ماهیت دنیا

«دنیا چون مار خوش خط و خالی است که ظاهرش نرم و زیباست و باطنش پر از زهر کشنده. نادان فریب خورد و بدان روی آورد ولی عاقل فهمیده از آن گریزد.» (۱۲)

«می‌فریبد و زبان می‌رساند و می‌گذرد. خدا دنیا را پاداشی نپسندید برای دوستانش و نه کیفری برای دشمنانش، مردم دنیا چون کاروانند، تا بار افکنند کاروانسالارشان بانگ بر آنان زند که تا بار بندند و برانند.» (۱۳)

بهره‌مندی از دنیا و کفایت به آنچه روزی انسان است

«به کم بسنده باید کرد و به این و آن روی نیاورد. آن را که نصیبش اندک است، اگرچه تلاش فراوان کند بیشتر ندهند.» (۱۴)

دنیای ناپایدار وسیله آزمایش و عذاب الهی

«خداوند [دنیا را برایتان چنین وصف کرد که سپری شدنی، بی‌اعتبار و ناپایدار است. پس از آنچه چشم شما را پر کند و دلتان را مشغول دارد، دوری گزینید. زیرا برخورداریتان از آن اندک است. دنیا به خاطر جاذبه کاذب شهوتها، نزدیک‌ترین خانه به عذاب الهی است.» (۱۵)

دوستی را نشاید این غدار

«آنگاه که دنیا به کسی روی آورد خوبی‌های دیگران را هم بدو عاریت دهند و چون پشت کند خوبیهای او را هم نادیده انگارد.» (۱۶)

زوال دنیا و مرگ آگاهی

«تو خود دیده‌ای کسانی را که پیش از تو مال اندوخته و نگران کم شدن آن بودند و آرزوی دراز و دور انگاشتن مرگ آنان را از سرنوشت خویش بازداشته بود، چگونگی مرگ بر آنها فرود آمد و آنها را از زادگاهشان برکند و از مهد امنیت و آرامش برگرفت و در تابوت آرزوها و بر دوش مردمانی حمل کرد که تحمل آن را نداشتند و به یکدیگر پاس می‌دادند و از سقوط آن هم بیمناک نبودند، لذا با سرانگشتان آن را برمی‌گرفتند.»

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

شماره ۱۱ و ۱۸

«... آیا ندیدید آنهایی را که آرزوی دراز داشتند و ساختمانهای بلند افراشتند و اموال زیاد اندوختند، چگونه خانه‌هایشان گور شد و آنچه اندوخته بودند بر باد رفت و اموالشان دارائی میراث خوارانشان شد...» (۱۷)

عاقبت نعمات دنیا

آن حضرت بر مزبله‌ای می‌گذشت چنین فرمود: «این است آنچه بخیلان به آن بخل ورزیدند و در روایتی دیگر این همان است که دیروز برای رسیدن به آن سر و دست می‌شکستید.» (۱۸)

متاع دنیا و عبرت از آن، قناعت ورزیدن و نهی از تکاثر

«کالای دنیا آلوده گاه و باخیز است، از آن مرغزار دوری کنید که نیاسودن در آن، بهتر از ماندن است و به اندازه کفاف اکتفا کردن برتر از جمع ثروت...» (۱۹)

ب) تشویق امام به بخشش و سخاوت و اشاره به راه و روش آن و نهی از بخل:

در تعریف بخشندگی می‌فرماید:

«بخشندگی و کرم آن است که قبل از درخواست نیازمند باشد، اما پس از آن، با از سر شرمندگی است یا از ترس نکوهش» (۲۰)

در بخشش تعادل پیشه کنید

«دستباز و بخشنده باش ولی از ریخت و پاش

بهریز، در زندگی اندازه نگه دار اما سخت مگیر» (۲۱)

بخشش ولو اندک باشد گرامی است

«از بخشش اندک شرم مدار که نوید ساختن بدتر از آن است.» (۲۲)

در مورد بخل و در نکوهش آن می‌فرماید

«در شگفتم از بخیل، از فقری که می‌گریزد، زودتر بدان رسد و ثروتی را که می‌طلبد از دست دهد، در دنیا چون فقیران زید و در آخرت حساب ثروتمندان را از او خواهند...» (۲۳)

ج) مباحثی پیرامون رزق و روزی

انواع کسب روزی و مقدر بودن آن

«روزی به دو گونه است یکی آنکه تو در جستجوی هستی و دیگر آنکه در جستجوی نوست، پس اگر تو به سویب نروی به سویت آید. پس در یکروز به اندازه یکسال تلاش مکن و خود را به رنج و زحمت میفکن. کفایت کند تو را هر روز تلاش آن روز، پس اگر آن سال از عمرت باشد قطعاً خداوند تعالی از هر روز سهمیه‌ات را بخشد و گرنه برای چه تلاش کنی و اندوه خوری؟ بدانکه هیچکس روزی تو را نخورد.» (۲۴)

در این فراز، امام نکاتی چند را، یادآور می‌شوند:

۱- روزی مقدر است.

۲- نفی تکاثر و مال‌اندوزی.

۳- کسی روزی دیگری را نبرد.

(۳۳)

«قناعت یعنی فرمانروایی و سروری...»
بدینگونه امام علی (علیه السلام) قناعت را کلید
نیک بختی انسان می‌داند.

«به حضرت عرض کردند اگر فردی را در
خانه‌ای در برویش بر بندند. از کجا روزی رسد؟
فرمود از همانجا که مرگش فرارسد.» (۲۵)

و) مال و ثروت

- هشدار به ثروتمندان

«دارائی و ثروت ابزار خواهشهای نفسانی
است.» (۳۴)

رابطهٔ انفاق و روزی و اثر پرداخت مال الله در
روزی

«روزی را با صدقه دادن و احسان به مستمندان
فراهم آید و آنکس که به پاداش یقین کند دستش
به بخشش بازگردد.» (۲۶)

- وابستگی انسان به مال

«آدمی مرگ فرزندی را تحمل کند و به خواب و
استراحت پردازد اما زبوده شدن مالش خواب و
راحتی را از او گیرد.» (۳۵)

«ایمانتان را به صدقه دادن پاس دارید و
دارایی‌تان را با پرداخت زکات بیمه کنید.» (۲۷)

«اگر تنگدست شدید با صدقه دادن با خدا
معامله کنید.» (۲۸)

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

نماره ۱۷ ر ۱۱۳

ز) حاجت و نیازمندی و حفظ کرامت

انسانی

دست نیاز سوی هر کس دراز مدار

«آنکه بار نیازش را به آستانهٔ مؤمنی فرود آرد
گویی آن را به پیشگاه الهی آورده است و آنکه
در خانهٔ کافری را بدین منظور زند، گویی از خدا
شکایت کرده است.» (۳۶)

«از دست شدن خواسته‌ها، آسانتر از خواستن
آن از ناهلان است.» (۳۷)

اینگونه پندار تا حاجت حاجتمندان روا کنی
«روا کردن حاجت در پرتو سه امر است: کوچک
شمردن آن تا کارهای بزرگ انجام گیرد، پنهان
نمودن آن تا خود آشکار گردد، فوریت در آن تا
گوار آید.» (۳۸)

د) در وصف طمع و نکوهش آن

وصف طمع: «آزمندی بردگی همیشگی
است.» (۲۹)

خطر طمع: طمع عقل آدمی را زایل می‌کند:
«بیشترین قتلگاه عقلها در زیر برق طمعها
است.» (۳۰)

و در میانه روی در کسب مال و نهی تکاثر و
زیاده‌خواهی می‌فرماید:

«... در حلال آن حساب است و در حرام آن
شکنجه و گرفتاری است. آنکه ثروتمند گردد در
کوران درگیری و فتنه درافتد و آنکه نهی دست
شود در کابوس اندوه فرو رود...» (۳۱)

ه) قناعت

«قناعت ثروتی است پایان‌ناپذیر.» (۳۲)

ن تدبیر در معیشت

«آنکه به اندازه خرج کند تهی دست نشود.» (۳۹)

در رعایت اعتدال می‌فرماید:

«به اندازه کفاف اکتفا کردن، بهتر از جمع ثروت.» (۴۰)

«[متقین] لباسشان متعادل، نه برده لباسند و نه بی‌رغبت و بی‌اعتنای بدان.» (۴۱)

مواردی که استخراج شد تنها بخشی از مباحثی است که امام علیه السلام در جهت این فرهنگ‌سازی عمومی بکار برده‌اند و می‌توان ملاحظه کرد - که با توجه به آنچه که بر مسلمین رفته - امام علیه السلام تمام توان و تلاش خود را در بازگرداندن فرهنگ اصیل دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جمع مسلمین بکار بستند و این در حالی بود که خود دارای جمیع خصائل نیکو بودند.

اعصار باشد. فرمایشات امام علیه السلام و ارائه ساختارها و راهکارهای حکومتی گویا ظرف زمان و مکان را درنور دیده و پیشرفت‌های بشر در زمینه فن‌آوری و فرایندهای اقتصادی و ارتباطی نیز نتوانسته از ارزشهای والای آن بکاهد. آنچه که در سیره عملی و کلامی امام علیه السلام وجود دارد همچون ستاره‌ای در آسمان عدالت می‌درخشد و آزادگان جهان را دل‌می‌ریابد و اجرای آن جهان را به سوی عدالت و برابری رهنمون می‌سازد.

معیارهای امام در انتخاب و نصب کارگزاران امام علیه السلام روحیات و فضائل ذیل را برای کارگزاران برشمرده و ایشان را به رعایت آنها سفارش می‌نمایند.

- رعایت تقوای الهی و پروا پیشگی

«او را به مراعات و حفظ تقوای الهی فرمان ده.» (۴۲)

- مطیع فرمان پروردگار خود بودن

«خداوند واجباتی بر شما مقرر فرموده است آنان را ضایع نکنید و مرزهایی برایتان قرار داده از آنها تجاوز ننمایید.» (۴۳)

و در نامه ۵۳ خطاب به مالک می‌فرماید:

«به او فرمان دهد که از خدا پروا کند و طاعت او را بر همه چیز مقدم شمرد و هر چه در کتاب خداست به کار بندد...» (۴۴)

- عنان نفس را در اختیار گیرد

«ای مالک، مالک نفس خویش باش.» (۴۵)

- خود را از مردم انگارد و در نوع زندگی و

۲- بعد تربیتی و اصلاحات ساختاری

اصیرمؤمنان علیه السلام

با توجه به فساد اداری و عدم وجود ضوابط در ساختار حکومتی، اولین قدمی که امام علیه السلام در این راستا برداشتند اعمال اصلاحات متوازن و همگرا در ساختار حکومت بود و در این راه نیز اولین اقدام ایشان برکناری کارگزاران جور و نصب کارگزاران صالح بود. در این میان آنچه مورد کنکاش و پژوهش است معیارها و رهنمودهای امیرمؤمنان علیه السلام برای گزینش و عملکرد کارگزاران می‌باشد که بی‌گمان می‌تواند آئین‌نامه‌ای برای حاکمان اسلامی برای تمام

حق و حقوق شهروندی خود را برتر از آنان
نگردد

کارگزار دولت اسلامی باید ساده زیستی را
در پیش گیرد و این به دو منظور است اول آنکه
رفاه طلبی و تجمل گرایی از یکسو باعث جدائی
کارگزار از طبقه کارمندان شده و آن دو را از هم
جدا می سازد و کارمند، کارگزار را همچون
تافته ای جدا بافته می انگارد. از سوئی دیگر،
راحت طلبی همچون آفتی است که مقاومت فرد
را در برابر سختیها کاسته و زایل می نماید.
بنابراین، در منظر امیر مؤمنان علیه السلام کارگزار باید
زندگی خود را همسطح محروم ترین افراد تحت
مدیریت خود بسازد. امام علیه السلام خطاب به
کارگزار خود عثمان بن حنیف می فرماید:

«آگاه باش که هر رهروی را رهبری است که
بدو اقتدا کند و از دانش او نور گیرد و راه یابد.
بدان که پیشوای شما از دنیا به دو جامه کهنه
بسنده کرده است و از غذاها به دو قرص نان،
بدانید که شما هرگز توان آنرا ندارید ولی با
پارسانی، تلاش و پاکدامنی مرا یاری کنید...

آری اگر می خواستم راهش را می دانستم که
چگونه به عسل ناب، مغز گندم و بافته های
ابریشمین دست یابم. اما چه دور است از علی که
هوای نفس بر او چیره شود و شکمبارگی او را بر سر
سفره های رنگین نشانده در حالیکه شاید در حجاز
یا یمامه کسی باشد که خواب قرص نانی را هم
نبیند و سیری اصلاً نشناسد.» (۴۶)

و در رابطه برابری والی و رعیت به مالک
می فرماید:

«از اینکه برای خود حقی، در آنچه همه در
آن برابرنند، بیش از دیگران خواهی،
پرهیز.» (۴۷)

- باد غرور در سر نپروراند و از خلق
کناره گیری ننموده و در میان آنان با صدق و مهر
رفتار نماید.

«والی نباید در برابر مال و مقامی که به آن
رسیده است مردم را از یاد برد و تعهد خدمت را
نادیده انگارد بلکه باید نسبت به بندگان خدا
بیشتر نزدیک شود و به برادرانش بیشتر مهربانی
کند.» (۴۸)

- پرهیز از متملقان و چاپلوسان و رد آنها از
خود

«زنهاار... از دوست داشتن تملق که باید از آن
بپرهیزی، زیرا این احوال، خود از بهترین
فرصت های شیطان برای تباه کردن است.» (۴۹)

- امام علیه السلام استبداد و خودکامگی را
بر نمی تابد و کارگزار خود را از آن نهی می نماید
«پس هر آینه تو بالاتر از آنهائی ولی امر تو
بالاتر از تو و خدا بالاتر از کسی است که تو را به
فرماندهی برگزیده است.» (۵۰)

- کارگزار باید در فرمانداری خویش خدای
را در نظر داشته باشد و از معنای مأمور معذور
پرهیز نماید

«اگر اطاعت آفریدگان، موجب معصیت
آفریدگار گردد، روا نیست.» (۵۱)

- کارگذار باید روحیه ایثار و ایثارگری را در
خسود تقویت نماید و در راه انجام
مسئولیت های الهی خویش از هیچ چیز

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

شماره ۱۷ و ۱۸
۱۱۵

فروگذار ننماید:

آزمایش بکارپذیری» (۵۶)

بدین ترتیب، امیرمؤمنان علیه السلام با دقت، در گزینش کارگزاران خود اقدام نموده و به همراه هر یک مجموعه‌ای از بایسته‌های حکومتی و زمامداری را ارائه دادند و در این امر از هیچ مسأله‌ای فروگذار نکردند تا ساختار اداری - سازمانی اصلاح و سالم گردد. اهتمام امام به این امر را می‌توان مهم‌ترین علت در نظر ایشان - در اصلاحات حکومتی دانست یعنی تا ساختار اداری - سازمانی سالم بوجود نیاید و افراد صالح در رأس امور نباشند اصلاحات قابل اجرا نیست. با نگاهی به عهدنامه مالک اشتر می‌توان وجود آمدن یک ساختار اداری مدوّن در سیستم حکومت را شاهد بود، ساختاری که صدر، ذیل و جایگاه اشخاص در آن مشخص است و سیستم‌ها در آن تدوین گشته و وظایف در آن مشخص می‌گردد. (۵۷)

و اینها همه پایان راه نبود بلکه چشمان تیزبین امام علیه السلام در جای جای بلاد اسلامی بدنبال کارگزارانش بود و ایشان به دقت به اعمال و رفتار آنان رسیدگی می‌کرد و به محض ارتکاب خطا آنان را مورد مؤاخذه، استیضاح و اعزل قرار می‌داد که شرح آن خواهد آمد.

۳- اصلاحات اقتصادی

امام علیه السلام همگام با اصلاحات ساختاری به فرهنگ‌سازی در زمینه‌های گوناگون پرداختند که در این میان سه برخی از اقدامات و فرهنگ‌سازیهایی ایشان در بعد اقتصادی و

«...در راه انجام وظایف الهی از جان خویش مایه بگذار.» (۵۲)

- معیار در تصمیم‌گیری عادلانه را در نظر گرفتن سه عامل می‌داند:

«باید محبوبترین کارها در نزد تو سازگارترین آنها با حق و گسترده‌ترین آنها در عدالت و فراگیرترین آنها در جلب رضایت مردم باشد.» (۵۳)

- در هنگام دستور و اقدام سه نکته را مورد توجه قرار می‌دهد: دستور سنجیده، عمل بموقع و قاطعیت در اجراء

«بهریز از کاری که زمانش فرا نرسیده و سهل‌انگاری در آن چون انجامش ممکن گردیده یا پافشاری در امری که راه صحیح آن را ندانی یا سستی در زمانی که درستی کار آشکار باشد پس هر کاری را در جای بایسته بجای آر.» (۵۴)

در زمینه استخدام، امام علیه السلام مواردی را برمی‌شمرند که مطابق با آنها می‌توان کارمندان را گزینش نمود و بعد متذکر می‌شوند که گزینش کارمندان براساس ضابطه و نه رابطه صورت پذیرد و جایگزینی رابطه را به جای ضابطه از عوامل شیوع خیانت و ستم برمی‌شمرند. (۵۵)

نکته دیگری که مورد تذکار امام علیه السلام می‌باشد، آزمودن افراد، قبل و بعد از بکار گماری است تا بدینوسیله توانایی آنان نیز در بوته آزمایش قرار گرفته و سنجیده شود.

«... آنگاه در کار آنان بنگر و آنها را با

نهی لایحه

۱۱۶ شماره ۱۷ و ۱۸

حکومتی اشاراتی می‌نمائیم:

امام علی^{علیه السلام} در پاکسازی بیت‌المال بیشتر از قتل عثمان، بنی‌امیه را به ستوه آورد و امام - یا علم به شورش و نفاق بنی‌امیه - از آن روی برنرفته و سیاست خود را در بازستانی حقوق مظلومان، حتی به تعویق هم نیانداختند.

«بدانید من با دو کس می‌ستیزم، آنکه چیزی را خواهد که حق آن را ندارد و آنکه حقی را که بر گردن اوست نگذارد.» (۶۰)

و در فرارهای پایانی فرمان مالک اشتر خطاب به او می‌فرمایند:

«بر تو واجب است، بخاطر داشتن آنچه بر

والیان پیش از تو رفته است از حکومت عدلی که کرده‌اند و سنت نیکوئی که نهاده‌اند.»

عدالت در بکارگیری بیت‌المال

در این بین امام بیشترین توجه خود را متوجه بیت‌المال و حفظ و حراست از آن به خرج می‌دادند و در تقسیم آن به عدالت هیچ ملاحظه و استثنایی را روانمی‌دانستند.

بعد از جنگ نهروان در پاسخ به یکی از یاران که پیشنهاد می‌دهد به اصحاب بیشتر توجه کن و به آنها که از گرویدنشان به سپاه کفریمنایکی امتیازات بیشتری بده، فرمودند:

«آیا فرمانم می‌دهید که یاری را با ستم راندن

بر مردم طلب کنم؟ به خدا سوگند تا شب و روز

برجاست و تا آنگاه که بر آسمان ستاره‌ای

برجاست. هرگز چنین نکنم و اگر اموال، مال خودم

هم بود یکسان می‌بخشیدم تا چه رسد به آنکه

مال، مال خداست.» (۶۱)

اول: عدالت در حکومت امیرمؤمنان

«الا ای تاریخ سوگند به شکافنده بذر و آفریننده جان، اگر نبود حضور فشرده مردم برای بیعت، و عهده‌ی که خدای از عالمان گرفته است که بر شکمبارگی ستمگر و محرومیت ستمدیده «صح» نگذارند، حتماً افسار خلافت را رها می‌کردم... و می‌دیدید این دنیایی که بدان می‌نازید و دین می‌بازید، در دیدگاه من از آب بینی ماده بز می‌ارزش‌تر است.» (۵۸)

گویاترین سخن امام علی^{علیه السلام} در مورد پذیرش

حکومت همین عبارت است که ریشه در اصلاح

مسائل اقتصادی دارد؛ گرفتن حق ستمدیده از

ستمگر، از بین بردن محرومیت در جامعه، از بین

بردن طبقات اقتصادی و... اصلاح در بخش

امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} در اجرای عدالت بسیار

سختگیر و بی‌ملاحظه بود و در این امر از هیچ

اقدامی فروگذار نمی‌کرد و بر سر آن اهل معاملات

با هیچکس نبود.

«بخدا اگر ببینم [اموال عمومی] به مهر زنان یا

بهای کنیزکان رفته باشد آن را بازستانم که در

عدالت گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد،

ستم را سخت‌تر یابد.» (۵۹)

این سخنان مربوط به اولین روزهای خلافت

امام علی^{علیه السلام} است و ایشان در همان اوان خلافت به

بازگرداندن اموال نامشروع به بیت‌المال هم‌

گماشتند. استاد محمد مهدی جعفری در کتاب

«پرتوی از نهج‌البلاغه» معتقدند: این پافشاری

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

شماره ۱۸، ۱۱۷

«بدان حق مسلمانانی که نزد تو یا ما هستند در تقسیم این غنایم یکسان است، چون چشمه سارانی که همگان بدون امتیاز در آن آیند و از آن بازگردند.» (۶۲)

«در اموال بیت‌المال که در نزدت گرد آمده سخت دقت و مراقبت کن و آن را به عائله‌مندان و گرسنگان که نامشان در دیوان نیازمندان است پرداز تا فقر و نیاز در جامعه ریشه کن شود و مازاد آن را برای ما بفرست تا بین نیازمندان تقسیم کنیم.» (۶۳)

مواجهه امام با برادرش عقیل درسی بزرگ برای حاکمان و والیان اسلامی

«به خدا سوگند، برادرم عقیل را در نهایت فقر و تهیدستی دیدم که می‌خواست پیمانه‌ای از گندم شما را بدو بخشم، و فرزندان خردسالتش را که از تنگدستی و درویشی، زولیده‌موی و نیلگون روی بودند. دوباره آمد و اصرار کرد و سه باره سخنش را تکرار نمود، و من به سخن او گوش دادم، پس گمان کردم که دینم را بدو فروشم و برخلاف روش‌ام از او جانب‌داری کنم. آنگاه آهنی را برای او گداختم و به جسم او نزدیک کردم تا عبرت آموزد. از سوزش آن چون بیماران ناله‌ای سخت برآورد و نزدیک بود که از داغش بسوزد. پس بدو گفتم: ای عقیل، سوگواران به سوگت نشینند! چگونه از آهنی که انسانی به بازیچه آن را گداخته است به فریاد آبی و ناله سردهی ولی مرا به آتشی کشانی که خدای جبار از غضبش برافروخته است؟ آیا تو از آزادی به فریاد آبی ولی من از آتش دوزخ

به فریاد نیایم؟!»

پرهیز از رشوه

و از این شگفت‌تر آنکه شباهنگام کوبنده‌ای در خانه‌ام راکوید و در ظرفی سر بسته حلوانی آورده بود که آن را ناخوش می‌داشتم، گویی با آب دهان مار یا برگردان معده او آمیخته بود. پس بدو گفتم: آیا این به خاطر پیوند خویشاوندی است یا زکات و یا صدفه؟ که این دو بر ما خاندان پیامبر حرام است. گفت: هیچ کدام، اما هدیه است. آنگاه گفتم: گریه کنندگان بر تو بگرینند! آیا آمده‌ای تا از دین خدا مرا بفریبی؟ یا نظام فکری خود را از دست داده‌ای؟ یا جن‌زده شده‌ای؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم زمین را با آنچه در آسمانهاست به من بخشند تا پوست بجوی را به گناه از موری گیرم، هرگز چنین نکنم. (۶۴)

امام علی (ع) در حفظ بیت‌المال بسیار کوشید و چشمان ایشان در ولایات مختلف با حساسیت این مسأله را پیگیری می‌کردند و امام علی (ع) از خیانت در آن به هیچ عنوان نمی‌گذشتند و خیانتکار را به سزایش می‌رساندند.

به والی بصره می‌نویسد:

«بخدا سوگند، سوگندی راست، اگر خبر رسد که در بیت‌المال مسلمین خیانت ورزیدی، چه کم یا زیاد، بر تو به نهایت سخت گیرم آنچنانکه نهی دست، گرانبار و حقیر مانی.» (۶۵)

- نکته مهم اینکه در خیانت کمیت مهم نیست و هر اندازه مستحق جزا است

«اما بعد، به من از تو خبر رسیده است که اگر راست باشد خدای را به خشم آورده‌ای و امامت را نافرمانی کرده‌ای و در امانت خیانت نموده‌ای. گزارش رسیده است که بیت‌المال را جاروب کرده‌ای و هر چه بود و نبود برگرفته‌ای و هر چه بدست رسیده بر جیب ریخته و یا خورده‌ای. اینک حسابت را بفروست و بدانکه حسابرسی الهی از محاسبهٔ بندگان سختتر است.» (۶۶)

- نکته قابل بحث در اینجا حسابرسی امام علی (ع) از کارگزارانش می‌باشد که بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه حق خاصی بر ایشان یا روابط و خویشی، اعمال عدالت می‌نماید و از این نمونه‌ها در کتاب شریف نهج البلاغه و سیره حضرتش بسیار است.

دوم: نظام‌مندی امر خراج

امام علی (ع) در اینمورد هم مانند شیوه‌ای که پی گرفته بودند به طرح مسائل اصلاحی و آداب و آیین‌های اخذ خراج می‌پردازند. سفارش به تقوا، رعایت حریم ملک، اعلام موضوع - اعلام اینکه برای اخذ حق خدا آمده‌ام -، کفایت اقرار فرد در مورد وجود حق خدا یا عدم آن، نگرفتن بیشتر از حق الهی و... از مسائلی است که امام علی (ع) در سیره و گفتار خود تبیین نموده‌اند.

شیوهٔ اخذ خراج

«گزینش حق الهی را بدین ترتیب انجام ده: مال را دو قسمت کن آن‌گاه صاحب مال را مخیر کن که هر کدام را می‌خواهد برای خود بردارد و هر کدام

را که برداشت مزاحمش نشو، سپس نیم باقیمانده را دو قسمت کن هر کدام را که برداشت پذیر و ایراد مگیر... آنگاه حق الهی را از او بگیر و اگر خواست جابجا کند پذیر و اصل را برگردان و از نو به همان ترتیب اول عمل کن تا حقوق واجب الهی را دریافت داری و از احشام، پیر و دست و پاشکسته و معیوب را بگیر.» (۶۷)

انصاف در اخذ خراج

«پس اینک شما را فرمان می‌دهم: با مردم از سر انصاف رفتار کنید... در گرفتن مالیات مته به خشخاش نگذارید و تن‌پوش زمستانی و تابستانی و چارپایانی که وسیلهٔ کارند و بردگان را حراج نکند و کسی را به خاطر درهمی تازیانة نزنید... و به

دارائی کسی از مردم - چه نمازگزار و چه در پیمان مسلمین - دست درازی مکنید. مگر آنکه آسیبی یا سلاحی نزد آنان [غیر مسلمین] بیاید که بخواهند با آن بر مسلمانان حمله کنند...» (۶۸)

در نظر امام علی (ع) خراج و مالیات در زمانی مؤثر است و در مجموع وضع اقتصادی را روبه بهبودی می‌برد که رعایت حال مالیات دهنده صورت گرفته باشد و او از قبیل سود خود مالیات دهد. لذا به مالک اشتر می‌فرماید:

«... در مورد مالیات چنان عمل کن که موجب بهبود حال خراجگزاران گردد زیرا با درستی خراج و سامان یافتن حال خراجگزاران، وضع دیگران نیز اصلاح شود و کار دیگران جز با بهبود آنان سامان نپذیرد، زیرا روزی مردم در گرو خراج و خراجگزاران است.» (۶۹)

در نظر امام علیه السلام رعایت حال خراجگزار بسیار با اهمیت است. امام علیه السلام بین خراجگزار و مأمور نوعی اطمینان و همکاری متقابل را در نظر میگیرند که در نتیجه رعایت حال خراجگزار از سوی مأمور بدست می آید:

«... باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج، چون خراج بدون آبادانی به دست نیاید و آنکه بدون آبادانی خراج مطالبه نماید، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و حکومتش چند روز بیش نپاید. بنابراین، اگر مردم از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا قطع سهمیه آب یا خشکسالی یا دگرگونی وضع زمین بر اثر غرقاب یا بی آبی، شکوه کردند به آنان تا هر قدر که فکر می کنی موجب بهبود وضعیتشان خواهد شد تخفیف بده...» (۷۰)

همانگونه که از مفاد سخنان فوق برمی آید رعایت انصاف در امر خراج و بوجود آوردن اعتماد فی مابین از اصل اندیشه های امام علیه السلام می باشد.

در اندیشه امام اصل بر آبادانی است یعنی تا زمانی که آبادانی و شرایط مناسب در امر کشاورزی صورت نگیرد خراجگزار به سود نخواهد رسید تا خراج بدو تعلق گیرد. بنابراین، امام به عامل خود دستور می دهد که اصل را بر آبادانی بگذارد تا از قبیل آن سودی حاصل آید و خراجی ستانده شود. در اینجا ذکر این نکته بجاست که از منظر امام علیه السلام اخذ مالیات از درآمد ناشی می شود لذا امام به این امر اهتمام دارند که بر مبنای نظر کارشناسی مأمور و با

احترام به نظر خراج گزار این امر صورت پذیرد.

بازرگانان و صنعتگران و تنظیم روابط تجاری

در دیدگاه امام علیه السلام بازرگانان بر طرف کننده نیازهای مادی جامعه اند. ایشان در ارتباط با بازرگانان سه موضوع را مطرح می کنند:

۱- فراهم آوردن شرایطی که سود بیشتر بازرگانان را ایجاد می کند.

امام علیه السلام پس از ذکر برخی اصناف جامعه و وابستگی های هر کدام از آنان به امر خراج (لشکریان - توده مردم - قضایان) روزی همه آنها را وابسته به بازرگانان و امر خراج می دانند و بدین طریق اهمیت موضوع بازرگانان را بررسی می کنند:

«... همه اینان استواری نخواهند یافت مگر به وسیله بازرگانان و صنعت پیشگان که به کار مردم به امید سود رو آورند و بازارها بدیشان رونق یابد و کار و کسب آنان از دست دیگران ساخته نیست...» (۷۱)

در فراز دیگری از نامه ۵۳، امام علیه السلام طبقه فعال را به سه دسته بازرگانان داخلی، بازرگانان خارجی و صنعتگران تقسیم می کند که با توجه به روحیات حرفه ای آنان، ایشان را مردمانی آرام و مسالمت جو و نافع به حال رعیت معرفی می نمایند:

«... و اما در مورد بازرگانان و صنعتگران، نصیحت پذیر باش و آنان را به نیکی پند ده، چه پیشه وری که مقیم است و چه آنکه با دارایش در

رفت و آمد است و چه کاسبی که به نیروی تن کسب روزی می‌کند [صنعتگران]. زیرا آنان سرچشمه سودها و مایه آسایش و راحتی‌اند و این منافع را از سرزمین‌های دوردست و وادیهای پرت، و از دریا و بیابان و کوه و دشت قلمرو تو، فراهم آورند؛ نقاطی که توده مردم را توانی نیست تا در آن گردآیند و نه جرأتی که بدان پای گذارند. اینان مردم آرامی هستند که بیم خطرشان نمی‌رود و مسالمت‌جویانی هستند که گمان آشوبگری در مورد آنها نباشد. پس به کار آنان، چه در مرکز حکومت و چه در دیگر شهرهای کثورت رسیدگی کن.»

۲- نظام‌مندی امر خراج که پیشتر از آن سخن به میان آمد

۳- کنترل و نظارت دقیق بر بازار

امام علیؑ بر این امر بسیار اهتمام می‌ورزیدند. منقول است که علیؑ تازیانه خود را برمی‌گرفت و در میان بازار می‌شد تا بنمایاند که اگر کسی خلاف عدالت معامله کند با علی و تازیانه او طرف است.

در عهدنامه مالک اشتر پس از بیان ارزش بازرگانی و صنعتگری و سفارش به همکاری و ملازمت با آنان، مالک را به امری آگاه می‌سازد که خمیرمایه تجارت آن را ایجاد می‌کند. حرص و آز به دنیا و تبعات آن که امکان دارد هر صاحب صنعت و یا بازرگانی را دچار سازد.

«... با اینهمه بدانکه در بسیاری از ایشان، تنگ چشمی آشکار و بخل زننده و احتکار منافع

و نرخ‌گذاری خودسرانه در فروش وجود دارد که ضرر و زیانی است برای مردم و تنگی است برای جامعه...» (۷۲)

در اینجا امام علیؑ دو موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند: اول، احتکار که امام علیؑ آن را بطور کلی ممنوع و استثناء‌ناپذیر عنوان کرده‌اند و دولت را موظف به مواجهه با مختکران نموده‌اند.

دوم، نرخ و نرخ‌گذاری بر مبنای عدل و انصاف صورت پذیرد و برای این منظور دولت را موظف به ارائه‌ی طریقی در جهت نرخ‌گذاری عادلانه نموده‌اند. ایشان وجود این دو مفسده - احتکار و گرانفروشی - را موجب ننگ دولت دانسته‌اند.

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

شماره ۱۷ و ۱۸ و ۱۲۱

پرهیز از دادن امتیازات ویژه (رانت)

امیرمؤمنان علیؑ با عنایت به اینکه نزدیکان والی بزرگ‌ترین خطر برای استفاده خاص از منافع عمومی و موقعیت‌های ویژه اقتصادی هستند در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر این امر را بررسی نموده و مالک را از آن نهی می‌کنند.

«... دگر آنکه هر زمامداری، یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان ایشان امتیاز خواهی و دراز دستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا می‌شود. اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن برکن. مبادا به هیچ یک از نزدیکانت زمینی واگذاری، و مبادا کسی از سوی تو به این طمع افتد که مالک آب و زمینی گردد تا به همسایگان در آبیاری یا کار مشترک

خسارت وارد آورد و بارش را بر دوش دیگران اندازد.» (۷۳)

از این فراز چند نکته برداشت می‌شود:

اول آنکه به والیان هشدار می‌دهند که همیشه به طور طبیعی در اطرافیان و نزدیکان حاکم روحیه سودجویی بروز نماید و علت بروز نیز غالباً مقاصد اقتصادی است که معمولاً به صورت امتیازهای ویژه (رانت) آشکار می‌شود. دوم اینکه، باید مواجهه کارگزار به گونه‌ای باشد که این امتیازخواهی را در ریشه بخشکاند.

سوم اینکه، در صورت بروز این پدیده، کارگزار به هیچ عنوان به فعلیت رسیدن آن را برنتابد و به گونه‌ای رفتار نماید که سوءاستفاده کننده از طمع خویش ناامید شود.

چهارم، اگر آنان خود امکاناتی را فراهم آوردند رفتار والی به گونه‌ای باشد که آنان از امتیاز خویشاوندی یا نزدیکی که دارند، در جهت استفاده بیشتر از منابع عمومی و مشترکات با همسایگان بکار نگیرند و بار خویش را به دوش دیگران نیفکنند و به آنان خسارت وارد نیاورند.

از طرفی، با وجود رعایت تمام موارد، ممکن است یکی از حالات فوق اتفاق افتد در آن صورت:

«حق را در موردی که باید - دور یا نزدیک - رعایت کن و در آن پایداری، بورز و بازده نیکویش را از خدا بخواه و هر چه در این راه از خویشان و نزدیکانت رسد، گو رسد. زیرا این گرچه بر تو گران آید اما چشم به پایان کار بسند که آن فرخنده

است.» (۷۴)

وصیت و وقف اموال

امام علی^{علیه السلام} در طول زندگانی پربرکت خویش بسیار پرتلاش ظاهر شدند. از ایشان باغهای فراوان خرما و چاهها و قنوات فراوان برجای مانده که هنوز هم در اطراف مدینه وجود دارند. این مسئله در زندگی امام و دوران مدیریت ایشان بر جامعه اسلامی دو اثر برجای گذاشت: اول اینکه ایشان در قبال اعمال مدیریت خود بهره‌ای از بیت‌المال دریافت نکردند. دوم آنکه ایشان بسیار مساکین، فقرا و یتیمان را تحت تکفل خود قرار داده و به امور آنان رسیدگی می‌کردند.

پس از اتمام نبرد صفین، امام علی^{علیه السلام} در نامه‌ای تکلیف اموال خود را برای بازماندگان معلوم می‌نماید. این نامه حاوی نکاتی است که نشان دهنده عمق دقت امام در مسائل اقتصادی و مالی حتی پس از مرگشان می‌باشد.

الف - وصیت بعنوان امر مورد رضایت الهی قابل توجه است.

ب - وارث باید از دارائی بطور شایسته (بدور از افراط و تفریط) بهره‌مند گردد و از آن نیز در راه خدا اتفاق کند. این مسئله بسیار مشاهده شده که اشخاصی ثروت خود را وقف می‌نمایند در حالیکه فرزندان آنان در عسر به سر می‌پرند. اما امام علی^{علیه السلام} از این عمل پرهیز می‌نمایند.

ج - با اشاره به برتری فرزندان فاطمه (س)،

اما مساوات و عدالت باید در تقسیم مال الارث رعایت شود. عدالت چنین اقتضا می‌کند که حتی اگر انسان فرزندی از فرزندان را دوست تر دارد ولی هنگام تقسیم مال الارث از عدالت و مساوات عدول نکند.

د- وصی باید اصل مال را نگه دارد و از درآمد آن انفاق نماید.

ه- نهال‌های خرما - یعنی آنچه که باعث افزایش بهره‌وری است - باید حفظ شود. (۷۵)

نتیجه‌گیری

با عنایت بر این‌که شیوه و رفتار ائمه معصومین علیهم‌السلام برای مسلمین به عنوان مهمترین روش و الگو مطرح است و امام علی علیه‌السلام اولین و تنها فرد از ائمه است که بر مسند قدرت نشست در نتیجه روش ایشان در حکومت بعنوان برترین الگو برای زمامداران مطرح است. لذا با توجه به آنچه گذشت برقراری عدالت اقتصادی و رفع ظلم و محرومیت از مهمترین دغدغه‌های امام علی علیه‌السلام در دوران حکومت ظاهریش بود که با تمام توان به آن مبادرت ورزید.

لذا با دقت در سیره علی علیه‌السلام در رأس حکومت درمی‌یابیم که ایشان با اقتدار کامل به اقدام همه جانبه و متوازن بر اصلاحات ساختاری و بکارگماری افراد متعهد و متخصص در رأس امور، نظارت بر حسن انجام تعهدات دولت و کارگزاران، رعایت عدالت در بکارگیری بیت‌المال و نظارت بر حسن اجرا در امثال عمومی، تدوین سیستم اجرایی در امر مالیات و

خراج و نظارت بر آن امور، تدوین نظامنامه حسابرسی و نظارت بر عملکرد مالی ادارات دولتی و کنترل و نظارت بر بازار و اجرای تعذیرات حکومتی مبادرت ورزید و الگویی برای تمام حاکمان اسلامی در همه اعصار و قرون پدید آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱- شهیدی، سیدجعفر، علی از زبان علی علیه‌السلام
۲- همان.

۳- عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی بن

ایطالب علیه‌السلام

۴- دین‌پرور، سیدجمال‌الدین، نهج‌البلاغه پارسی،
خ ۱۳۰.

۵- شهیدی، سیدجعفر، انقلاب بزرگ.

۶- عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی بن

ایطالب علیه‌السلام

۷- نوری همدانی، حسین، بیت‌المال در
نهج‌البلاغه، یادنامه کنگره نهج‌البلاغه.

۸- دین‌پرور، سیدجمال‌الدین، نهج‌البلاغه پارسی،

خ ۳.

۹- همان.

۱۰- همان، خ ۶۳.

۱۱- همان، خ ۵۳.

۱۲- همان، ق ۱۱۵.

۱۳- همان، ق ۴۰۷.

۱۴- همان، ق ۳۹.

۱۵- همان، خ ۱۶۰.

۱۶- همان، ق ۸.

۱۷- همان، خ ۱۳۲.

۱۸- همان، ق ۱۸۶.

۱۹- همان، ق ۳۵۹.

۲۰- همان، ق ۵۰.

۲۱- همان، ق ۳۲.

۲۲- همان، ق ۶۴.

۲۳- همان، ق ۱۲۱.

۲۴- همان، ق ۳۷۱.

۲۵- همان، ق ۳۴۸.

روش امام علی
در برقراری
عدالت اقتصادی

شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۲۳

۵۹- همان، خ ۴۵.	۲۶- همان، ق ۱۳۲.
۶۰- همان، خ ۱۷۲.	۲۷- همان، ق ۱۳۸.
۶۱- همان، خ ۱۲۶.	۲۸- همان، ق ۲۵۰.
۶۲- همان، ن ۴۳.	۲۹- همان، ق ۱۷۱.
۶۳- همان، ن ۶۷.	۳۰- همان، ق ۲۱۰.
۶۴- همان، خ ۲۱۵.	۳۱- همان، خ ۸۱.
۶۵- همان، ن ۲۰.	۳۲- همان، ق ۵۴.
۶۶- همان، ن ۴۰.	۳۳- همان، ق ۲۲۰.
۶۷- همان، ن ۲۵.	۳۴- همان، ق ۵۵.
۶۸- همان، ن ۵۱.	۳۵- همان، ق ۲۹۹.
۶۹- همان، ن ۵۳.	۳۶- همان، ق ۴۱۹.
۷۰- همان.	۳۷- همان، ق ۶۳.
۷۱- همان.	۳۸- همان، ق ۹۷.
۷۲- همان.	۳۹- همان، ق ۱۳۴.
۷۳- همان.	۴۰- همان، ق ۳۵۹.
۷۴- همان.	۴۱- همان، خ ۱۸۴.
۷۵- همان، ن ۲۴.	۴۲- همان، ن ۵۳.
	۴۳- همان، ق ۱۰۲.
	۴۴- همان، ن ۵۳.
	۴۵- همان.
	۴۶- همان، ن ۴۵.
	۴۷- همان، ن ۵۳.
	۴۸- همان، ن ۵۰.
	۴۹- همان، ن ۵۳.
	۵۰- همان.
	۵۱- همان، ق ۱۵۶.
	۵۲- همان، ق ۱۶۵.
	۵۳- همان، ن ۵۳.
	۵۴- همان، ن ۵۳.
	۵۵- در اینمورد به نامه ۵۳ مراجعه شود.
	۵۶- دین پرور، سیدجمال الدین، نهیج البلاغه پارسی، ن ۵۳.
	۵۷- با نگاهی به فرمان امام <small>علیه السلام</small> به مالک اشتر و سیره امام <small>علیه السلام</small> در خواهیم یافت که ایشان کارگزاران را به شش دسته تقسیم می کنند: ۱- وزیران و مشاوران ۲- ارتشیان که شامل صنفهای دربانان، پاسداران، کارکنان و نیرویهای انتظامی است. ۳- کارگزاران شهرها شامل استانداران، فرمانداران، خراج گزاران، یازرسان، ناظران بازار ۴- دبیران ۵- قاضیان ۶- گزارشگران و ویژه.
	۵۸- دین پرور، سیدجمال الدین، نهیج البلاغه پارسی، خ ۳.

منابع

- ۱- جعفری، سید محمد مهدی، پرتوی از نهیج البلاغه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۲- دین پرور، سیدجمال الدین نهیج البلاغه پاریسی، بنیاد نهیج البلاغه، ۱۳۸۴.
- ۳- شهیدی، سید جعفر، علی از زبان علی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۴- شهیدی، سید جعفر، نهیج البلاغه، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۵- طیب، مهدی، مدیریت اسلامی، نشر سفینه، ۱۳۷۹.
- ۶- عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی بن ابی طالب، چاپخانه مروی، ۱۳۵۴.
- ۷- نوری همدانی، حسین، بیت المال در نهیج البلاغه، بنیاد نهیج البلاغه، ۱۳۶۳.